بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسته متنی قابل‌ویرایش

هفته 74

مسجدنما

<http://MasjedNama.ir>

سلام بر شما

هر هفته با مراجعه به تارنمای مسجدنما می‌توانید بسته‌های هفتگی فرهنگی ویژه همان ایام را دریافت و در تابلوی اعلانات مسجد، مدرسه، محل کار و... خود نصب کنید. ما دنبال این هستیم که با مشارکت همه فعالان فرهنگی مسجدی، تحولی در کارهای فرهنگی و تربیتی مساجد رخ دهد و مسجد به جایگاه حقیقی خودش بازگردد، ان‌شاءالله. باشد تا با زمینه‌سازی ظهور، سربازان خوبی برای امام خویش باشیم. برای هم دعا کنیم!

ببینیم چه چیزهایی این هفته روزی‌مان شده...

# فهرست مطالب

[فهرست مطالب 2](#_Toc427245698)

[قرآن 3](#_Toc427245699)

[دستِ بده (2) 3](#_Toc427245700)

[اهل‌بیت 4](#_Toc427245701)

[در کجا مصرف می‌کنی؟ 4](#_Toc427245702)

[امام روح‌الله 5](#_Toc427245703)

[ما انقلاب کردیم مسجد درست کنیم 5](#_Toc427245704)

[امام خامنه‌ای 6](#_Toc427245705)

[قم شدنِ قم 6](#_Toc427245706)

[شهدا 7](#_Toc427245707)

[خلبان گمنام فیلم چ حاتمی‌کیا 7](#_Toc427245708)

[یار مهربان 8](#_Toc427245709)

[اینجا چراغی روشن شده است 8](#_Toc427245710)

[ایام ویژه 9](#_Toc427245711)

[مذاکره به سبک چمران 9](#_Toc427245712)

[احکام 10](#_Toc427245713)

[صف جماعت، بنیان مرصوص 10](#_Toc427245714)

[نیایش 11](#_Toc427245715)

[از دیگری نخواهیم و از احدی نهراسیم 11](#_Toc427245716)

[درنگ 12](#_Toc427245717)

[رکبِ یواشکی! 12](#_Toc427245718)

[روزنوشت 13](#_Toc427245719)

[امتحان آقاها و آقازاده‌ها 13](#_Toc427245720)

[سؤالات هفته 14](#_Toc427245721)

# قرآن

## دستِ بده (2)

**خدا یکی است و راه رسیدن به او که همان هدایت است هم یکی.** پس حالا که همه‌چیز اوست و اول و آخرِ همه- و نیز دنیا و آخرت- هم در اختیار اوست، باید متواضعانه راه سعادت را از او پرسید در کمال مهربانی هدایتمان کند:

«**در مسیر سعادت و خوشبختی شما، آتش زبانه‌کشی قرار دارد که من شما را از آن هشدار دادم و راه نجات و عبور از آن را برایتان روشن کردم: انفاق؛** اگر کسی این حقیقت را که انفاق نجات‌بخشِ از آتش است، تکذیب کند و به آن پشت نماید، بدبخت‌ترین انسان‌ها خواهد بود و در این آتش خواهد سوخت. اما آن کس که «دستِ بده» داشته باشد و انفاق کند تا پاک شود، از باتقواترین افراد خواهد بود و از این آتش فاصله خواهد گرفت. او به هیچ‌کس بدهکار نیست که بخواهد جبران کند، بلکه انفاقش فقط برای رضایت پروردگارش است...»

**پس داستان، داستانِ دوراهی نیست که یک‌طرفش آتش باشد و طرف دیگرش بهشت، بلکه راه یکی است و نهایتش خداست؛ ولی در این مسیر، آتش هولناکی قرار دارد که خاموش نمی‌شود مگر با انفاق.**

إِنَّ عَلَيْنا لَلْهُدى‏ (12) وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولى‏ (13) فَأَنْذَرْتُكُمْ ناراً تَلَظَّى (14) لا يَصْلاها إِلاَّ الْأَشْقَى (15) الَّذي كَذَّبَ وَ تَوَلَّى (16) وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (17) الَّذي يُؤْتي‏ مالَهُ يَتَزَكَّى (18) وَ ما لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزى‏ (19) إِلاَّ ابْتِغاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلى‏ (20) وَ لَسَوْفَ يَرْضى‏ (21)

**همانا هدایت** (به مقصد رساندن)**، تنها برعهده ماست (12) و همانا جهان آخرت و سراى نخستين، فقط از آنِ ماست. (13) بدين‌سبب شما را از آتشى كه زبانه مى‌كشد، بيم دادم. (14) جز آن‌كسى‌كه تيره‌بخت‌ترين مردم است، در آن درنيايد؛ (15) همان كسى كه حق را تكذيب كرد و از آن روى برتافت (16) و آن‌کس كه پرواكننده‌ترين مردم است، قطعاً از آن آتش دور داشته مى‌شود. (17) همان كسى كه دارايى‌اش را مى‌بخشد و با آن رشدى شايسته مى‌جويد (18) و هدفش از كمك به نيازمندان، جبران احسان آنان نيست، زيرا هیچ‌کس از آنان بر گردن او حق نعمتى ندارد كه جبران آن لازم باشد، (19) بلكه انفاق او تنها براى دستيابى به خشنودى پروردگار بلندمرتبه‌اش است (20) و به‌زودی با دريافت پاداشى نيكو از جانب پروردگارش، خشنود خواهد شد. (21)**

# اهل‌بیت

## در کجا مصرف می‌کنی؟

**تمامی پول‌های خود را حساب کن.** نه آن‌ها که الآن داری، بلکه کل پولی را که از اول زندگی به دست آورده‌ای و تا آخر عمر کسب خواهی کرد. چقدر می‌شود؟ حالا چقدرش برای توست؟ همه؟ نه! **بخشی از آن برای تو نیست، برای فقراست که باید انفاق کنی:**

**وَ الَّذينَ في‏ أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ، لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ**

و (مؤمنان) کسانی (هستند) که در اموالشان حقی معین است برای سؤال‌کننده و محروم (معارج، 24 و 25)

پس نگو: «از مال خودم انفاق می‌کنم»، بگو: «پول فقیر و محروم را که برای خودشان بود، به ایشان دادم.» باورش سخت است، نه؟ خیال می‌کنی مال خودت است و هر جا که بخواهی خرجش می‌کنی؟ خیر، **به حکم امام كاظم (عليه‌السلام)، اگر در آنجا که خدا گفته خرجش نکنی، مجبور می‌شوی که دو برابرش را در راه نافرمانی خدا بدهی!**

**إيّاكَ أن تَمنَعَ في طاعَةِ اللّهِ، فتُنفِقَ مِثلَيهِ في مَعصيَةِ اللّهِ**

امام كاظم (عليه‌السلام): از خرج كردن در راه طاعت خدا دريغ مكن كه [لاجرم] دوچندان آن را در راه معصيت خدا خرج خواهى كرد.

**حالا فهمیدی که چگونه با انفاق خودت را از آتش جهنم نجات می‌دهی و از جمله متقین می‌شوی؟**

# امام روح‌الله

## ما انقلاب کردیم مسجد درست کنیم

ما بايد همه‏مان فدايش بشويم. پيغمبر هم فداى اسلام شد. سیدالشهدا هم فداى اسلام شد. اسلام بزرگ‌ترین چيزى است كه وديعه خداست در بشر. ما بايد عزممان را مصمم كنيم كه در اين راه شهيد بشويم و علما بيشتر... اين مسجدها را سنگر قرار بدهيد براى اسلام. در صدر اسلام، از اين مسجدها همه‌چیز بيرون مى‏رفت؛ مسجد محل قضاوت بود، مسجد محل چه بود، مسجد محل بسيج بود. بسيج سپاه بود، اين مسجدها را بايد شما محكم نگه‌دارید. نگويند به شما كه ديگر مسجد مى‏خواهيم چه كنيم؛ ما انقلاب كرديم؛ **ما انقلاب كرديم مسجد درست كنيم**. ما براى خدا انقلاب كرديم. شما، ملت ما انقلاب كرده است و از زبان ملت است كه «جمهورى اسلامى». **جمهورى اسلامى بايد همه‌چیزش اسلامى باشد.** اين مساجد سنگرهاى اسلام است. محراب محل حرب است. اين‌ها سنگرند براى اسلام. حفظ كنيد اين‌ها را.

 صحيفه امام، ج‏15، ص: 15

# امام خامنه‌ای

## قم شدنِ قم

بدون تردید نقش حضرت معصومه (سلام‌الله علیها) در قم شدن قم و عظمت‌ یافتن این شهر عریقِ مذهبىِ تاریخی، یک نقش «ما لا کلام فیه[[1]](#footnote-1)» است. این بانوی بزرگوار، این دختر جوانِ تربیت‌شده‌ دامان اهل‌بیت پیغمبر، با حرکت خود در جمع یاران و اصحاب و دوستان ائمه (علیهم‌السلام) و عبور از شهرهای مختلف و پاشیدن بذر معرفت و ولایت در طول مسیر در میان مردم و بعد رسیدن به این منطقه و فرود آمدن در قم، موجب شده است که این شهر به‌عنوان پایگاه اصلی معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در آن دوره‌ ظلمانی و تاریکِ حکومت جباران بدرخشد و پایگاهی بشود که انوار علم و انوار معارف اهل‌بیت را به سراسر دنیای اسلام از شرق و غرب منتقل کند.

امروز هم مرکز معرفتی دنیای اسلام، شهر قم است. امروز هم مثل همان دوران، قم قلب فعال و متحرکی است که می‌تواند و می‌باید خون معرفت و بصیرت و بیداری و آگاهی را در سرتاسر پیکر امت اسلامی پمپاژ کند.

امام خامنه‌ای| 29/7/1389

# شهدا

## خلبان گمنام فیلم چ حاتمی‌کیا

همه اسم کودتای شهید نوژه را شنیده‌اند، اما او را نمی‌شناسند؛ تا جایی که یک‌بار در یک «دانشگاه» از سردار قاسمی پرسیدند چرا شهید نوژه می‌خواست علیه انقلاب کودتا کند؟!

سرگرد خلبان محمد نوژه از خلبانان پرتلاش و ممتاز در پایگاه سوم شکاری همدان بود. اگر فیلم «چ» را دیده باشید، در قضایای سقوط پاوه توسط ضدانقلاب می‌بینید که هواپیمای اف‌4 با شکستن دیوار صوتی، لحظات پراضطرابی را برای مهاجمان مسلح ایجاد می‌کند تا زمینه حضور نیروهای خودی فراهم شود. یادتان هست تیمسار فلاحی آنجا خوش‌حال می‌شود ولی ضدانقلاب می‌تواند هواپیما را منهدم کند؛ چراکه برای یک جنگ تمام‌عیار آماده بود.

خلبان شجاع آن هواپیمای اف 4 محمد نوژه بود. پایگاه هواپیمایی همدان را به نام او نام‌گذاری می‌کنند. کمی بعد کودتایی علیه نظام اسلامی با محوریت پایگاه هوایی شهید نوژه طراحی می‌شود که به نام کودتای شهید نوژه مشهور است!

# یار مهربان

## اینجا چراغی روشن شده است

**«فانوس یا کشف المحجه لثمره المحجه»**

تألیف: سیدبن‌طاووس، مترجم: اسدالله مبشری، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قطع: رقعی، چاپ نهم این ناشر، 299 صفحه: 4500 تومان.

خرید اینترنتی: http://bookroom.ir/book/1041

از این کتاب حداقل دو ترجمه در دسترس است؛ یکی با عنوان فانوس و دیگری با عنوان برنامه سعادت. آموزش معارف اسلامی به نوجوانان، هدف عالم بزرگ قرون گذشته از تألیف این اثر است. قضیه ازاین‌قرار است که مؤلف در 61 سالگی به این اندیشه می‌افتد که برای دو پسر هفت و سه‌ساله‌اش، کتابی بنویسد تا آن‌ها را به معارف اسلامی وصیت کند. «شیوه آموزش» او و «محتوا»ی معارفی که انتخاب می‌کند، درخور توجه است. اصلاً خواندن چیزهایی که بزرگان نوشته‌اند، همیشه درخور توجه است. اینجاست که می‌گویند بروید سراغ منابع دست‌اول‌تر!

این کتاب همان کتابی است که درباره جشن تکلیف، به‌مثابه فرخنده‌ترین جشن زندگانی سخن می‌گوید؛ چراکه حضرت حق ما را به شرف بندگی مفتخر کرده است.

# ایام ویژه

## مذاکره به سبک چمران

از همان بهمن 57 توطئه برای تجزیه مناطق کردنشین جدی بود. ‌کمی پس از حضور دستمال‌سرخ‌ها به فرماندهی شهید وصالی به دعوت مردم منطقه، دکتر مصطفی چمران به نمایندگی از دولت موقت بازرگان به پاوه اشغال‌شده می‌آید تا با مخالفان مذاکره کند. در آن مقطع، همه گروه‌های ضدانقلاب با هم متحد شده بودند. در جلسه‌ای که به همین منظور در دفتر فرمانداری برگزار شد، نمایندگان گروه‌های مختلف، حتی گروه‌های واقعاً کوچک، خودشان را معرفی می‌کردند و مطالباتشان را آزادانه مطرح می‌کردند؛ حتی چریک‌های فدایی. من خوب يادم است وقتي نماينده گروه‎‎هاي پيکاري خواست خودش را معرفي کند، دکتر چمران محکم زد روي ميز و گفت تو حق نداري حرف بزني! نماينده پيکاري‎‎ها پرسيد براي چه؟ دکتر چمران گفت: «براي اين‌که تو هميشه نقطه مقابل انقلاب بودي. براي اين‌که تو هميشه‎ اسلحه دستت بوده است».

براساس مصاحبه جهان‌نیوز با خانم کاظم‌زاده، خبرنگار حاضر در جلسه

# احکام

## صف جماعت، بنیان مرصوص

می‌گفت هر کس در نماز جماعت باید به حریم خودش قانع باشد؛ فهمیدم منظورش سجاده‌های چاپ‌شده روی فرش است. خندیدم و گفتم:

 «مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‏اند، فاصله نباشد و شانه آنان ردیف یک‌دیگر باشد.»

 (توضیح المسائل امام، مسئله 1483)

# نیایش

## از دیگری نخواهیم و از احدی نهراسیم

**دعا فقط یک رابطه عبادی ساده با خدا نیست؛ دستور زندگی سیاسی اجتماعی هم هست؛ آخر اسلام یک دین سیاسی اجتماعی است.**

**اَللَّهُمَّ اَغْنِنا عَنْ هِبَةِ الْوَهّابينَ بِهِبَتِكَ،**

**الها ما را با بخشش خود، از بخشش ديگران بى‏نياز ساز،**

**وَاكْفِنا وَحْشَةَ الْقاطِعينَ بِصِلَتِكَ، ‏**

**و ترس «گسستن رابطه با ديگران» را از ما با «رابطه ما به خودت» كفايت فرما،**

**حَتّى لانَرْغَبَ اِلى‏ اَحَدٍ مَعَ بَذْلِكَ، وَ لانَسْتَوْحِشَ مِنْ اَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ.**

**تا با وجود عطاى تو از ديگرى نخواهيم، و با احسان تو از احدى نهراسيم.**

**(دعای 5 صحیفه سجادیه)**

# درنگ

## رکبِ یواشکی!

بحث بالا گرفته؛ ما هم که منتظر اظهار فضلیم، ناگهان موقعیت خوبی پیدا می‌کنیم و با بحثی کاملاً منطقی، طرف مقابل را به خاک می‌زنیم! کمی بعد هم که صدای بَه‌بَه و چَه‌چَه جمع بلند می‌شود، ما نیز ابراز احساسات کوچکی می‌کنیم! ولی واقعاً اگر میان بحث بفهمیم که سخن طرف مقابلمان درست است، با همین تواضع قبول می‌کنیم یا این‌که هرجور بتوانیم...

نکند شیطان بدون این‌که ما بفهمیم، یواشکی به ما رکب زده است؟!

کار خدا زمین نمی‌ماند که فکر کنیم مهم انجام دادن ظاهری کارهای خوب است (چون خدا به این کارها نیاز دارد!) احتمالاً شاید شاید و (باز تأکید که) شاید هدف خدا درست کردن ما و نزدیک کردن ما به خودش باشد نه صِرف انجامِ ظاهری یک کار خوب.

"با سوزوگداز خاصی دعا می‌خواند. عجب صدای قشنگی... دعا که تمام شد، ناگهان دیدم شال سبزش را به گردن من انداخت! جمعیت آمد به سمت من، می‌بوسیدند و التماس دعا بود که می‌گفتند! خودش رفته بود کنار فقط می‌خندید..."

# روزنوشت

## امتحان آقاها و آقازاده‌ها

به استناد تاریخ، **دو چیز باعث شد صحابی بزرگ، سیف‌الاسلام جناب زبیر در مقابل علی علیه‌السلام بایستد: اشرافی‌گری و حب فرزند.** برای همین به بعضی از پدرها باید گفت که «**بدانید اموال و اولاد شما، وسیله امتحان هستند**.»[[2]](#footnote-2) پدر گرامی! باور بفرمایید پسر دلبند شما هم مانند بقیه مردم، یک انسان است، نه کمتر و نه بیشتر. حالا چون پسر شماست دلیل نمی‌شود که خطایی نکند و دستش کج نرود.

به بعضی پسرها هم باید گفت اگر پدرت کس دیگری بود، الآن چه‌کاره مملکت می‌شدی؟ اصلاً دستت به دهان خودت هم می‌رسید؟ حالا که پشتت به پدرت گرم است، باید پدر مملکت را دربیاوری؟

**انگار آقازاده‌ها در مملکت ما با بقیه فرق می‌کنند. آقازاده که باشی بدون زحمت می‌توانی به خیلی چیزها برسی قبل از این‌که ظرفیتش را پیدا کنی.** خیلی از مجوزها را برای شما قرار نداده‌اند، خیلی از قوانین به دست و پای شما نمی‌پیچد، خیلی از مسیرها برای شما هموارتر است. کسی جرئت ندارد به آقازاده‌ها حرفی بزند. **امتحان خدا برای آقاها و آقازاده‌ها سنگین‌تر‌ است و سخت‌تر.** خدا به‌شان رحم کند.

# سؤالات هفته

1. آتشی که در مسیر سعادت آدمی وجود دارد تنها با چه عملی خاموش می‌گردد؟
	1. انفاق
	2. نماز شب
	3. نیکی به پدر و مادر
2. با توجه به روایت امام کاظم علیه السلام مالی که در راه طاعت خدا خرج نشود در چه راهی خرج می‌شود؟
	1. خرج خانواده و زندگی
	2. دو برابرش خرج معصیت الهی
	3. خرج بیماری
3. (روزنوشت) ریشه انحراف زبیر‌بن‌عوام چه بود؟
4. مصلحت‌اندیشی و حرام‌خواری
5. نادانی و پول‌پرستی
6. اشرافی‌گری و حب فرزند
7. (احکام) ایستادن در صفوف نماز بهتر است به چه شکل باشد؟
	1. به صورت پراکنده.
	2. به صورت منحنی.
	3. به صورت پیوسته و بدون فاصله.
1. آن‌چه در آن بحثی نیست [↑](#footnote-ref-1)
2. **وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ (انفال/28)** [↑](#footnote-ref-2)